



# انترناسیونال ۳۴۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۳ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۲۳ آپریل ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود



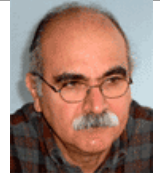
## زمین گیر شدن در میان دو جبهه

برای آنها نیز بطور جدی کشید. فرماندهان نیروی انتظامی رژیم بدست گفتند اگر در شش دی شش منطقه تهران به هم می پیوست، تهران سقوط کرده بود. جناح مغضوب نیز از این حرکت عظیم عمیقا وحشت کرد. از "کامیونی که در سرازیری سرعت گرفته و نمیشود مهارش کرد" سخن گفتند، از شعارهای

و فروپاشی نجات دهند، هم ضربه و تعرض و خطر جناح حاکم را علیه خویش خنثی کنند، هم طوری حرکت کنند که انقلاب و سرنگونی طلبی و رادیکالیسم گسترش پیدا نکند و مهار شود. تظاهراتهای میلیونی مردم در شش دی (عاشورا) که آنها آشکارا فراخوانش را نداده بودند و سکوت کرده بودند، آژیر خطر را

کاظم نیکخواه

اگر کسی بخواهد معنی واقعی بن بست را بداند باید حال و روز سران جناح اپوزیسیون حافظ رژیم را نگاه کند. اینها از همان اوایل جنبش و انقلاب مردم به تکاپو افتاده بودند که چه کنند که هم حکومت را به اصطلاح بزکی بکنند و از بحران و بن بست



پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر  
**انقلاب نیازمند قدرتمندی طبقه کارگر است!**

امسال روز جهانی کارگر در ایران روز تعمیق و گسترش و بجلو سوق دادن انقلابی است که نزدیک به یکسال است یکی از خونخوارترین و فاسدترین حکومتهای سرمایه داری عصر حاضر را بجالش کشیده است. این انقلاب به حکم شرایط عینی و زمینه های شکل گیری انقلابی کارگری است: انقلاب داغ لعنت خوردگان علیه دنیای فقر و بندگی! انقلاب يك جامعه بزیر خط فقر رانده شده و به بند کشیده شده علیه فقر، تبعیض، بیحقوقی و اختناق و سرکوب، و برای رسیدن به "منزلت و معیشت"! جامعه ای که از مدت ها قبل با گسترده ترین اعتصابات کارگری، با اول مه های "منزلت معیشت حق مسلم ماست"، با شانزده آذرهای "سوسیالیسم یا بربریت"، با جنبش بی وقفه "بدجبابی" علیه آپارتاید جنسی، و با شورشهای شهری "حکومت اسلامی نمیخواهیم" به استقبال انقلابی رفت که امروز با شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر اصل ولایت فقیه" کل این نظام ضد انسانی را هدف گرفته است.

تعمیق و گسترش این انقلاب و پیروز شدن آن تنها با بسیج توده مردم حول افق و آرمان انسانی طبقه کارگر، حول سوسیالیسم، ممکن است. و اول مه روزی است برای به پیش برداشتن يك گام بزرگ در این جهت. اول مه روزاعلام کیفرخواست طبقه کارگر جهانی علیه نظام ضد انسانی سرمایه داری است و در ایران نزدیک به

صفحه ۲

صفحه ۳

## "برخیز ای داغ لعنت خورده، دنیای فقر و بندگی!" روز جهانی کارگر است!

شنبه یازده اردیبهشت، اول ماه مه، روز کارگر، روز اتحاد و اعتراض ما، روز عزا و اضطراب جمهوری اسلامی است!

از بردگی و تبعیض و خرافه و دروغ، روز مبارزه برای رهایی انسان از یوغ سرمایه است!  
زنده باد اول مه، روز جهانی کارگر!  
سرتگون باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
اردیبهشت ۱۳۸۹

روز کارگر، روز مبارزه برای آزادی فوری همه زندانیان سیاسی است!  
روز کارگر، روز مبارزه برای آزادی اعتصاب و تشکل و تحزب، آزادی بی قید و شرط بیان است!  
روز کارگر، روز محاکمه قاتلان ندا و اشکان و همه سران "حکومت صد هزار اعدام" است!  
روز کارگر، روز اعتراض به حجاب

شنبه یازده اردیبهشت، روز کارگر، روز به خیابان آمدن، روز برپایی اجتماعات و اعتصابات، روز تداوم انقلاب و روز نمایش قدرت در برابر حکومت محتضر اسلامی است!  
روز کارگر، روز "مرگ بر دیکتاتور" و "زنده باد آزادی و زنده باد برابری" است.

## وحشی عظیم از بی حجابی گسترده

یکی از حجت الاسلام های جمهوری اسلامی است. او میگوید: "زنانی که طبق موازین اسلامی لباس نمی پوشند، مردان جوان را به بیراهه می کشانند و

شهلا دانشفر  
زنان بی حجاب ایران زلزله می سازند. این عین گفته کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران و

صفحه ۱۰

## حکم قصاص برای سه نفر از متهمان کهریزک

متهمان بازداشتگاه کهریزک حکم قصاص شان نهایی شده و بزودی اعلام خواهد شد. براساس این خبر دو مامور نیروی انتظامی و

محمد شکوهی  
اوایل هفته گذشته سایت تابناک وابسته به باند محسن رضایی خبر داد که سه تن از

صفحه ۹

## بازتاب هفته

روز جهانی کارگر و اجرای طرح عفاف و حجاب غلام اکبری سپاه خونریز و قدرت مردم  
یاشار سهندی  
"خانه ایرانیان"، تقلائی تازه حکومت در خارج بهروز مهر آبادی  
پرونده فرزندان سران حکومت در خارج  
بهرروز مهر آبادی  
صفحات ۶-۴

## در صفحات دیگر

حال فتنه چطور است، مصطفی صابر  
صفحه ۲  
کمپین ۲۰۰۰۰۰ دلاری برای تامین کانال جدید صفحه ۸

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## حال فتنه چطور است



مصطفی صابر

این هفته کیهان برای هزارمین بار نوشت "فتنه" تمام شد. اما در عین حال در مورد "معنی جدید بصیرت" قلم فرسایی کرد. رسالت هم در همین حدود رجز خوانی کرد ولی در عین حال هشدار داد که "دور دوم فتنه" در راه است و باید "عاف‌لگیر نشویم"؛ قوه قضاییه هم علیه "فتنه" تمام شده "بیکار نبود و علاوه بر کلی بگیر و ببند و نمایشات اعدام، انحلال "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" و "جبهه مشارکت" خودی ها نیز را بطور جدی در دستور گذاشت. کروی شکوه کرد که همه چیز "امنیتی" شده است. به "خانه کارگر" خودشان اجازه برگزاری مراسم دولتی روز کارگر را ندادند. و نه فقط این که پسر فرستجانی هم رسماً به دادگاه احضار شده است. احمدی نژاد برای او با نامه نوشت که "تنها شانس او ایران است". در عین حال از شهر صنعتی قزوین، اراک، علسویه و سایر مراکز خبر میرسد که کارگران کرور کرور بیکارسازی میشوند. امام جمعه تهران هم علیه بدحجابی منبر رفت و از بانوان محترم خواست که "توبه عمومی" کنند. و... این لیست را میشود ادامه داد، اما برای این سوال کافیت: بالاخره حال "فتنه" چطور است؟ دور دوم آن در راه است؟

تمام شد؟ و یا..؟

"فتنه" و در کنار آن "براندازی نرم"، نامی بود که خامنه ای به تظاهرات های میلیونی و وقایع بعد از خرداد ۸۸ داد. چنانکه خود جناب خ ر در یکی از سخنرانی هایش گفت، همان شب انتخابات ایشان به "سران فتنه" پیغام فرستاده بود که "شما مردم را به خیابان می آورید اما نمی توانید کنترل کنید". همینطور هم شد. "فتنه" ی به خیابان آمده دمبدم اوج گرفت و سربوها و از کنترل خارج شد.

هرچه "سران فتنه" التماس کردند "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد"، فتنه عصیانگر و حرف نشنو فریاد زد "مرگ بر اصل ولایت فقیهه"! تا جایی که در تظاهرات ۶ دی (عاشورا) "فتنه" به سرحد "براندازی" هم رسید و البته از نوع نه چندان "نرم"! اینجا بود که "سران فتنه" از خود "فتنه" و "خشونت طلبی" آن بیشتر از خامنه ای و احمدی نژاد نرم و لطیف وحشت کردند. حضرات تازه فهمیدند معنی "بصیرت" چیست و ترمز کشیدند. و این فرصتی بود تا در تظاهرات ۲۲ بهمن خامنه ای با تاکتیک جدید جلوگیری از شکل گیری جمعیت بقیمت هر جنایت، با تمام قوا وارد میدان شود. بدین ترتیب "فتنه" دو رکن مهم وجودی خود، یعنی (۱) استفاده از شکاف در بالا و (۲) ابراز وجود در خیابان را تا حدودی و تا اطلاع ثانوی از دست داد. به این معنی "فتنه" تمام شد. خامنه ای و اوپاش او در رجزخوانی های او به واقعیتی اشاره میکنند. اما در عین حال تمام زار و زندگی حکومت اسلام شد همین. اینکه چطور "فتنه" را تمام

شده نگه دارند!

نکته ای که باید پاسخ داد این است: چرا اینقدر نگران "دور دوم فتنه" هستند؟ چرا همه چیز "امنیتی" شده است؟ چرا مثلاً از بد حجابی و یا از اسم کارگر اینهمه میترسند؟ چرا هر روز در سطح جهانی بیشتر منزوی میشوند؟ چرا حتی تحمل سازمان مجاهدین و سرسپردگان درجه اول جمهوری اسلامی را ندارند؟ چرا دعوا و اختلاف در بالا یک گوشه را که می بندند از گوشه دیگر بیرون میزنند؟ اقتصاد را چه کنند؟ و هزاران چرای دیگر.

جواب بسادگی این است: چون آنچه که در ایران رخ داد فتنه نبود. یک انقلاب عظیم با ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود که همچنان جریان دارد. "فتنه" فقط شکل ابراز وجود این انقلاب در یک مقطع و در فواران اولیه اش بود. جلوی آنرا که بگیرند انقلاب از جای دیگر نفس خواهد کشید. و چنان کار را بر جمهوری اسلامی تنگ خواهد کرد و حضرات رجز خوان امروز آرزوی بازگشت همین "فتنه" را خواهند کرد.

جامعه ایران در یک بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در یک بحران لاعلاج حکومتی و اداری بسر میرد. مهتر از همه مشخصه اصلی اوضاع این است که توده های مردم در نبرد بر سر قدرت سیاسی به میدان آمده اند و مصمم هستند که آنرا تغییر دهند. از این "فتنه" ها زیاد خواهد آمد و رفت. نتیجه هرچه باشد این است که دوره جمهوری اسلامی بطور قطع به سر آمده است.

## پیام حمید تقوایی ...

یکسال است که عملاً این کیفر خواست، علیه یکی از جنایتکارترین رژیمهای سرمایه داری معاصر، در خیابانها فریاد زده میشود.

جنبش کارگری میتواند و باید این پرچم را پیشاپیش توده مردم انقلابی برافرازد و به زبان خود، و با امضای تشکلهای و نهادهای موجود کارگری، بیانگر اعتراضات و خواستههای توده مردم بجان آمده علیه حکومت اسلامی سرمایه داران باشد. بخصوص در شرایط حاضر که سرکوبگریهای حکومت و وحشت و مانع تراشی نیروهای اپوزیسیون حافظ نظام و کل اپوزیسیون راست در برابر تعرض "ساختار شکنانه" مردم، روند اعتراضات خیابانی را دچار وقفه کرده است، بمیدان آمدن کارگران بیش از پیش نقش تعیین کننده ای در پیشروی انقلاب می یابد. اول مه امسال میتواند نه تنها آغازی برای برآمد مجدد اعتراضات خیابانی، بلکه نقطه عطفی در تعمیق و گسترش انقلاب در ابعادی فراتر از تظاهرات خیابانی باشد.

اول مه امسال روز اعتراض علیه فقر و دستمزدهای یک سوم خط فقر، روز اعلام جرم علیه کشتارها و اعدامها و شکنجه ها و دستگیریها بویژه در یکسال اخیر، روز اعلام خواست آزادی فوری زندانیان سیاسی، حق بی قید و شرط تشکل و تحزب و اعتصاب، و آزادیهای بی

از صفحه ۱

قید و شرط سیاسی و مدنی، و روز اعلام حمایت از جنبش آزادی زن و جنبش دانشجویی از جانب فعالین و نهادهای و تشکلهای و نهادهای کارگری است. اول مه امسال همچنین فرصت دیگری است برای جلب حمایت کارگران جهانی و کل مردم آزادیخواه و شریف دنیا از انقلاب جاری در ایران. جنبش کارگری باید این فرصت را دریابد و این قبل از هر چیز به ایفای نقش فعالین و تشکلهای موجود جنبش کارگری بستگی دارد. یازده اردیبهشت در سال گذشته، حدود دو ماه قبل از انفجار اعتراضات خیابانی، ده تشکل کارگری با فراخوان کردهمایی در پارک لاله به استقبال انقلاب رفتند. امسال امید و انتظار همه اینست که تشکلهای فعالین کارگری این بار برای بجلو سوق دادن انقلاب بمیدان بیایند و نقش تعیین کننده خود را ایفا کنند. انقلاب برای تعمیق و پیشرویهای بیشتر نیازمند قدرتمانی طبقه کارگر است.

زنده باد روز جهانی کارگر، زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲ اردیبهشت ۱۳۸۸



## پیام جوانان و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر ۸۹

ازادیخواهی و برابری طلبی و شعار آزادی و برابری حکومت کارگری محکم تر کرده و ناقوس مرگ رژیم سرمایه را به صدا در خواهیم آورد و طومار سی سال جرم و جنایت و کارگر ستیزی را در هم خواهیم پیچید.

زنده باد اول ماه مه زنده باد همبستگی کارگران و جوانان و دانشجویان اردیبهشت ۸۹

تاما در مقابل موجی از اعتراضات توده اجتماعی مردم قرار گرفت مردم به خیابانها آمدند و خواهان بریز کشدن کل بساط حیات ننگین رژیم سرمایه شدند. حضور شما کارگران نیز در یکسال گذشته بی تاثیر نبوده است و شما کارگران حرکت انقلاب را چندین گام به جلو بردیدر یازده اردیبهشت ۸۹ مسال نیز ما جوانان و دانشجویان صفوف یکپارچه و متحد خود را همراه شما کارگران حول پرچم

رفقا و دوستان کارگر اعضا و فعالین تشکلهای مستقل کارگری در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر دروهای بی پایان ما جوانان و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را بپذیرید دوستان روز جهانی کارگر در شرایطی برگزار می شود که جامعه در یکسال گذشته با اعتراضات وسیع توده ای همراه بوده و توده وسیعی از مردم و جوانان و دانشجویان به خیابانها آمدند و رژیم

## زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر!

## زمین گیر شدن در ...

از صفحه ۱

کاظم نیکخواه



بسیار معنی دار حرفش را ادامه میدهد "نقاش‌های مدرن هنگام خلق اثر عمدتاً دو رویکرد دارند؛ یک گروه آنچه را که مشاهده کرده‌اند و یا تصور کرده‌اند متحقق می‌سازند و به روی بوم می‌آورند؛ و گروه دیگر، کار را شروع میکنند و بدون تصویری از اثر نهایی به تدریج و بر روی بوم، نقاشی نهایی را سامان میدهند و متولد می‌کنند. آنچه در جنبش سبز در حال وقوع است را می‌توان از نوع رویکرد و روش گروه دوم توصیف کرد."

این حرف دقیقاً به چه معناست؟ بدین معناست که ایشان یعنی جناب موسوی و جنبش سبز از دو سو عقب نشینی میکنند. هم در برابر جناح رقیب و هم در برابر انقلاب مردم. در واقع جناح اپوزیسیون حافظ رژیم بیش از جناح حاکم و سرکوب و لشکرکشی‌ها، از انقلاب مردم شکست خورد و به بن بست رسید. موسوی و شرکا بلافاصله بعد از ۲۲ بهمن دم گرفتند که "خیابان‌ها را از مردم گرفتند اما چنین و چنان باید کرد." و این تلاشی برای بیرون کشیدن مردم از خیابان و تظاهرات و در واقع انقلاب بود. اکنون هم این جناح دارد اعتراف میکند که اولاً او "جنبش سبز" کذایی داعیه‌ای برای قدرت و حکومت ندارد. نمی‌خواهد کسی را در حکومت کنار بزند و نمی‌خواهد کسی را سر کار بیاورد و تغییریری در حکومت ایجاد کند. و این یک عقب نشینی آشکار در برابر جناح حاکم از ترس انقلاب مردم است. این حتی عقب نشینی از اعتراض به تقلب در انتخابات و "قانون اساسی پیاده شود" و همه اینهاست. او دیگر داعیه "حکومت اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد" و "بازگشت به دوره خمینی" را هم زیر فرش کرده است. جنبش سیاسی‌ای که داعیه قدرت ندارد در واقع مرده است. و او دارد به رقبای حاکم می‌گوید که ما کاری به کار حکومت نداریم شما هم کاری به ما نداشته باشید. اما در

عین حال این یک عقب نشینی در برابر مردم انقلابی است. عقب نشینی در برابر مردمی که کل حکومت را با تمام دم و دستگاه و سبله‌ایش و از جمله خمینی و سنتها و قوانینش می‌خواهند دفن کنند. تاکید بر اینکه "جنبش سبز" یک حرکت دراز مدت و پیچیده است و مثل کار نقاشی است که نمیداند نتیجه تلاش‌هایش چه خواهد شد، در واقع دادن این پیام به جامعه است که ما در مورد نتیجه این کشاکش باز هستیم و تعصبی بر بودن یا نبودن جمهوری اسلامی از نوع خمینی و اینها هم نداریم. در پایان این کشاکش است که نتیجه معلوم خواهد شد!.. باید به این جناب گفت بله دقیقاً! در پایان این کشاکش نتیجه معلوم خواهد شد اما در همین آغاز این کشاکش روشن است که جناب موسوی و شرکا به امر مردم ربطی نداشته و ندارند و با این "استراتژیها" دارند اعتراف میکنند که در راه ناممکنی قدم گذاشته بودند و دیگر ادامه راه برایشان امکان پذیر نیست. در واقع جناب موسوی و جنبش کذایی اش دارد پایان خود را به این زبان به هردو سو اعلام میکنند. دارد اعلام میکند که نه قدرت می‌خواهد، نه کاری به حکومت دارد، نه استراتژی روشنی دارد. فقط می‌خواهد بقول ایشان "کار فرهنگی" بکند. بلند کردن پرچم "کار فرهنگی" از سوی یک جنبش آشکارا سیاسی و در یک فضای متحول و پر التهاب، در واقع یک پوشش آبرومندانه برای پایین کشیدن کرکه است. تا آنجا که به توده مردم مربوط میشود مردم امر دیگری داشته‌اند. مردم آن نقاشی هستند که هدف نهایی کارشان را میدانند و برای آن بیرون آمده‌اند و با اصرار بر آنست که اینهمه فداکاری کرده‌اند و میکنند. و آن خلاص شدن از شر کل جمهوری اسلامی است. این همان چیزی است که باعث شد جناب موسوی هم به گوشه نشینی پایان دهد و بقول خودش "اگر نظام بخطر نمی افتاد ما اصلاً دخالتی در اوضاع نمی‌کردیم". بنابراین مردم راه خود را می‌روند و ممکن است فعلاً به موسوی و شرکا و کارنامه‌شان کاری نداشته باشند. اما آیا رهبران جنبش کذایی سبز میتوانند در برابر رقبای

نیست. این یک هیبت لش و عمیقاً فاسد و گندیده و به گل نشسته است. نه باندهای مافیایی اش را میشود جایجا کرد نه اقتصادش را میشود از بحران و فلج کامل نجات داد نه میشود جایی ماندنی برای این حکومت در معادلات جهانی و در نظام سرمایه داری باز کرد. انقلاب همه این راهها را برای مدافعان این حکومت سد کرده است. رویای نجات جمهوری اسلامی و نظامش از بن بست و سرنگونی دست و پا زدن محکوم به مرگ در یک باتلاق است. سران و سیاستمداران امروز و سابق حکومت هم هر تلاشی کرده‌اند که این حکومت را نجات دهند حتی با حمایت و پشتیبانی قدرتهای بورژوازی بین‌المللی به جایی نرسیده‌اند و نخواهند رسید. بن بست و شکست کنونی "جناح حافظ رژیم" نیز دارد یک بار دیگر همین حقیقت را جلوی چشم همگان می‌گذارد. انقلاب و تمام کردن کار جمهوری اسلامی، دست و پا زدن در این بن بست و برزخ را برای همه اینها تمام خواهد کرد. هرکس که به تاریخ ده سال گذشته این جامعه و به کشاکشها و جدال طبقاتی‌ای که در جریان بوده است نگاه کند بروشنی متوجه میشود که سرنوشته این جدال با عقب رانده شدن گام به گام جمهوری اسلامی و پیش آمدن و شفاف تر شدن و عمیق تر شدن جنبه کارگران و مردم انقلابی است که دارد تعیین میشود و در یک سال گذشته این خود انقلاب است که به میدان آمده است و تداومش نیز با رادیکالیسم بیشتر و شفافیت و گستردگی بیشتر کاملاً قطعی است.\*

آدمخوار خود سرشان را بر شانهایشان نگه دارند؟ آیا طرف مقابل به سکوت و "کار فرهنگی" اینها رضایت خواهد داد؟ آیا در جریان نزاع جناحها که هم اکنون هم با شدت ادامه دارد و قطعاً اوج بیشتری خواهد گرفت، میتوانند با مراجعه به استراتژی "داعیه قدرت ندارم و نتیجه هم برایم مهم نیست" حتی از زندگی شخصی خویش دفاع کنند و سالم بمانند؟ در این باید بشدت تردید کرد. در واقع این بن بست است که جنبش دوم خرداد را پیش از این به شکست کشاند و اکنون موسوی و جناح بازگشت به قانون اساسی و دوره خمینی را نیز به شکست و بی‌اقتی و زمینگیری کشانده است.

## بن بست جمهوری اسلامی

اما این فقط بن بست و زمین گیر شدن جناحهای منتقد حکومت نیست. این بن بست کامل جمهوری اسلامی است. شکست اینها تاکید بر اینست که هیچ راهی برای هیچ کس برای نجات جمهوری اسلامی در مقابل انقلاب مردم باقی نمانده است. وقتی که جنبش بازگشت به قانون اساسی جمهوری اسلامی به بن بست میرسد، در واقع این جمهوری اسلامی است که دارد بن بست مطلقش جلوی چشم همه قرار می‌گیرد. آیا این امر، این حقیقت را که ما بیش از ده سال پیش از همان روزهای اول روی کار آمدن محمد خاتمی و دوره بربروی دوم خرداد بیان کردیم که جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست و باید با انقلاب مردم سرنگون شود، بروشنی جلوی چشم نمی‌گذارد؟ این حکومت اصلاح پذیر نیست، نه فقط اصلاح پذیر نیست بلکه حتی "بازگشت" به قوانین خودش هم برایش امکان پذیر

## با نشریه انترناسیونال همکاری کنید

نشریه انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً توزیع کنید

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

## دفتر مرکزی حزب

## یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

## انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



## بازتاب هفته

### روز جهانی کارگر و اجرای طرح عفاف و حجاب



غلام اکبری

زردخانه وحشیگریشان هر عابری را مورد ضرب و شتم قرار دادند و بقیه را، بجز چماقداران در میدان نشان را، خطری برای حاکمیتشان دانستند و وحشیانه مورد حمله قرار دادند. کشتند تجاوز کردند و به بند کشیدند و شیشه ها را دیوانه وار شکستند. امسال در حالی به آستانه اول وارد میشویم که جوانان دیگر همان جوانان سال قبل نیستند.

تجربه یکسال مبارزه و جنگ و گریز، همبستگی و انقلابیگری، چراغ راه مبارزات مردم آزادیخواه و جوانانی است که با هارترین رژیم منطفه دست و پنجه نرم میکنند. طرح "حجاب و عفاف" و شاخ و شانه کشیدن علیه زنان در واقع تهدید کل کارگران و جامعه در آستانه اول مه است. رژیم به هر بهانه ای که شده میخواهد حضور نظامی و مخوفش را بازم در خیابان توی چشم مردم کند تا مانع به خیابان آمدن صف انقلاب در روز جهانی کارگر شود. از این وحشت دارند که مردم روز جهانی کارگر را به سرنوشت عاشورا برای حاکمیت اسلام تبدیل کنند. این در حالی است که هیچ تضمینی نیست که حتما رژیم باز هم پیکر متعفنش را بتواند به کمک تجاوز، شکنجه، زندان و گلوله از زیر دست و پای مردم آزادیخواه دریاورد. اینجاست که حجاب بعنوان پرچم جمهوری اسلامی بکار گرفته میشود. اینجاست که هرکس میتواند بفهمد که چرا حجاب یک پوشش نیست. این روزها سران لشگری، کشوری و علمی شان دندان نشان میدهند و به هر مستمسکی دست میبرند تا مانع به خیابان آمدن مردم شوند. مصاحبه ایلنا با وزیر کشور در ۳۰ فروردین حاکی از همین ترس است که سرپای رژیم را فرا گرفته است. "ایلنا: وزیر کشور در حاشیه شورای اجتماعی کشور با اشاره به اجرای طرح عفاف و حجاب از امسال در سراسر کشور گفت: در جلسه امروز شورای اجتماعی کشور طرح ارتقای امنیت اجتماعی تصویب شد". این اولین بار نیست که گشت های عفاف و هر کوفت دیگرشان را برای ارعاب به خیابان

میآورند. گله ای از ارادل وحشی را زنجیر باز میکنند تا مردم شریف را فلج کنند و به این وسیله باز هم قدری وقت برای رژیم ننگینشان بخرند. غافل از اینکه جوانان و مردم آزادیخواه هم راههای جدیدی پیدا میکنند که پایه های حاکمیت اسلام و جمهورییش را بلرزاندند.\*

### سپاه خونریز و قدرت مردم

#### یاشار سهندی

سپاه پاسداران طی اطلاعیه ای در سالروز تشکیل این نهاد جنایتکار اعلام کرده است که با "قاطعیت خواهد ایستاد". اما چه نیازی است که سپاه تاکید میکند ما ایستاده ایم. و اما این قاطعیت در مقابل کی و برای چی؟ سی سال پیش در روز ۲ اردیبهشت تلاش امثال سازگارا و گنجی و محسن رضایی ... به شمر نشست و یک باند مخوفی مافیایی به نام سپاه پاسداران شکل گرفت. این سازمان امنیتی فلسفه وجودی شکل گرفتش سرکوب مردم به پاخاسته ای بود که در یک حرکت در روز ۲۲ بهمن تمام اہت ارتش شاهنشاهی را در هم شکستند و در پی رفاه و آزادی خویش بودند. حکومت ضد انقلابی جمهوری اسلامی اولین کاری که در دستور خویش داشت ( نفس وجودی اش این بود) که این مردم را سرجای خود بنشاند. برای اینکار ابزار برای سرکوب لازم داشت. کسانی که نام بردیم چند ماه بنا به روایت خودشان عرق ریختند و تلاش شبانه روزی به کار بردند تا اساسنامه این تشکل مافیایی را نوشتند. تشکلی که ملاط آن از خون مردم است. یک جایی سازگارا مدعی شد که سپاه اول تشکیل بود بعدا شد قاتل. اما سپاه شروعش با قتل و خونریزی بود و در ادامه هم جز این کاری نکرد. کافی است که یک مروری به کارنامه این سازمان امنیتی بیندازید. حمله به کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاهها، متینگها، بساط کتاب فروشان، حمله به دفاتر سازمانهای سیاسی، حمله به روزنامه های مخالف، آتش زدن کتابفروشیها، حمله به خانه افراد سیاسی، سازمان دادن

شکنجه هایی که در ذهن هیچ کس متصور نبود، تیرباران و یا به دار کشیدن زندانیان سیاسی، شلاق زدن جوانان به جرم شادی کردن، ترتیب دادن مراسم اعدام و سنگسار، سازمان دادن حملات نظامی در جنگ ایران و عراق که اسلحه اصلیش فرستادن توده جوانان به دم توپ و تانک بود و کشاندن بزور و اجبار یا با تحمیق جوانان بسیار برای کشته شدن در جنگ، تاکید بر ادامه جنگ ایران و عراق برای اینکه بتوانند توده مردم را در داخل سرکوب کنند، هر کس که به قول منصور حکمت قیافه اش شبیه مسلمین نبود دستگیر میکردند و... سال گذشته در به یمن تکنولوژی امروزی همه مردم دنیا شاهد بودند که این نیروی امنیتی با مردم بی دفاع در خیابان چگونه رفتار میکند. قتل ندا آقا سلطان بوسیله یکی از اعضای "بسیجی" این نهاد خونریز افشاگر عمق ظرفیت جنایتکاری این نهاد بود. غارت گری ثروت مردم توسط سپاه شهره عام و خاص است، نیازی نیست که این لیست پراز جنایت را طولانی تر کنیم. یکی از جنایتهای بارز این نهاد چپاولی است که با تکیه به مسلح بودن خویش تا توانسته و میتواند انجام میدهد و آنرا به یک دیو اقتصادی تبدیل کرده است. اما کسانی سالیانی است و در یکسال گذشته بخصوص سعی کردند که این نهاد را تطهیر کنند. کسانی مثل گنجی و نوریزاده و سازگارا تصویری که از این نهاد میدهند گویا یک نهاد

لازم است اما بد اداره میشود. میگویند که سپاه نباید کار اقتصادی کند چون فاسد میشود! میگویند سپاه جنگ را خوب اداره کرد، "جنگ را خوب اداره کرد" اسم رمز این است که مردم را خوب سرکوب کرد. این نمی گویند و نخواهند گفت. بلکه برعکس با کمال وقاحت میگویند "اول تشکیل بود". نخواهند گفت چون برای این سازمان "خون دل" خوردند و برای فردا روزی که این نظام سرنگون شود میخواهند شاکله اصلی سپاه بماند تا بتوانند به نام دیگری سازمانش دهند تا با "قاطعیت" ایستادگی کند. بیابیه سپاه میخواهد بگوید که در بر پاشنه سرکوب خواهد چرخید و در عین حال به "خودیها" دلداری میدهند که نترسید ما هستیم، انشالله گریه است! و ما با قاطعیت سرکوب میکنیم. این که سرکوب میکنند چیز جدیدی نیست اما اینکه لازم می آید که هر چند هفته بر این تاکید کنند نشان از این دارد که پایه های این تشکل جنایتکار ترک برداشته و نمی تواند مثل گذشته خودش را محکم نگه دارد. سپاه هم مانند بنیان گذاران اولیه اش میداند که مردم به جان آمده همانگونه که در ظرف یکرور ارتش با بن دندان مسلح شاه را وادار به تسلیم کردند میتوانند این نهاد جنایت را هم در هم کوبند و تسلیم کنند. هر چقدر این نهاد خونریز باشد در مقابل قدرت توده مردم هیچ است.

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K., Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## بازتاب هفته

### "خانه ایرانیان"، تقلاي تازه حکومت در خارج



بهروز مهرآبادی

خواسته شده که شرکت کنندگان در تظاهرات را شناسایی کنند. با وجود جهانی شدن جنبش بر علیه جمهوری اسلامی این رژیم خود را از تک و تا نمی اندازد. در حالی که بستن سفارتخانه ها و نمایندگی های جمهوری اسلامی در بیشتر کشورها تبدیل به یک هدف فوری و عمومی شده است. در حالی که سفارت های جمهوری اسلامی در استکهلم و آمستردام و فرانکفورت به تصرف مردم سرنگونی طلب در آمد و اوپاش جمهوری اسلامی بدون محافظت پلیس و نیروهای نظامی جرات ظاهر شدن در انتظار عمومی را ندارند، در حالی که بسیاری از اماکن عمومی از اجاره دادن سالن های خود به عوامل جمهوری اسلامی خودداری می کنند و نمایندگی های رژیم هر از چندگاهی با پرداخت پول های هنگفت موفق به گرفتن جایی برای برنامه های خود می شوند و در حالی که بسیاری از این برنامه ها پس از با خبر شدن مردم لغو می میشود، حکومت اسلامی خبر از تاسیس "خانه ایرانیان" در کشورهای مختلف می کند. همانگونه که اشاره شد این چنین اماکنی را اگر حکومت اعلام کند یا از چشم مردم مخفی نماید ما قول می دهیم که یک روز هم باز

### پرونده فرزندان سران حکومت در خارج بهروز مهرآبادی

خواهد ماند. میتوانند امتحان کنند.\*

سایت خبری جهان نیوز وابسته به جناح احمدی نژاد گزارش داد که پرونده ۴۰۰ نفر از فرزندان مسئولین کشور که در حال تحصیل در خارج از کشور هستند روی میز یک نهاد مسئول قرار گرفته است. بیشتر این افراد در کشورهای انگلیس و کانادا ساکن هستند و "برخی از آنها با سرویس های اطلاعاتی بیگانه ارتباط دارند". این خبر از جنبه های مختلف قابل توجه است. سران حکومت اسلامی کاملاً مشخص داده اند که دانشگاههای ایران برای تحصیل عزیزانشان مکان امن و

مناسبی نیست. چه بخاطر فضای سیاسی و ضد حکومت اسلامی دانشگاههای ایران و چه بخاطر استانداردهای پائین و کمبود امکانات تحصیلی در این دانشگاهها. به همین دلیل اغلب آنها فرزندانشان را برای تحصیل به کشورهای غربی می فرستند. در حالی که تحصیل در یک دانشگاه اروپایی و حتی گرفتن ویزای سفر به این کشورها برای میلیونها جوان ایرانی يك رویای دست نیافتنی است این ها به مدد ثروت های کلان پدران خود و با استفاده از امکانات دولتی، به راحتی امکان تحصیل و اقامت در این کشورها را دارند. اما حتی در این زمینه ها هم جمهوری اسلامی با درسهایی مواجه میشود. بسیاری از فرزندان سران حکومت اسلامی خروج از ایران به دنیای متمدنی پا می گذارند که در آن خبری از سلطه مذهب بر زندگی خصوصی و اجتماعی آنها نیست. به جایی می روند که زن از نظر قانونی با مرد برابر است، آزادی بیان وجود دارد، موزیک و رقص جرم نیست، ارتباط زن و مرد با شلاق و سنگسار پاسخ نمی گیرد. طبیعی است که بسیاری از این جوانان به توحش حکومت اسلامی آگاهی پیدا کنند و از آن منزجر شوند و طبیعی است که حکومت پدران خود را به نقد بکشند و در مقابل آن بایستند. این يك جنبه از مشکلی است که سران حکومت اسلامی با آن روبرو هستند. از سویی جرات فرستادن فرزندان خود را به دانشگاههای ایران ندارند، چرا که این احتمال را می دهند فضای پرشور دانشگاههای ایران آنها را تحت تاثیر قرار دهد و خیلی زود در صف تظاهر کنندگان و مخالفین حکومت قرار بگیرند. اما در خارج هم با مشکل جدی مواجه میشوند. فرستادن این جوانان به خارج از ایران هم اثرات خود را داشته و آنها را با دنیایی بدون ارتجاع و حقان اسلامی آشنا ساخته است. اینکه افرادی از درون نظام با آن به مخالفت برخیزند، حکومت اسلامی را شکننده تر می کند. روشن است که بخشی از اینها به عوامل جمهوری اسلامی در خارج کشور تبدیل میشوند. اما عکس العملهای سران حکومت نشان میدهد که بیشتر آنها از حکومت

کنده میشوند. اما بویژه با کشاکشها و نزاعهایی که در درون حکومت جریان دارد اینها هم چند تکه میشوند و خیلی هایشان به جناح منتقد می پیوندند. به همین دلیل سران حکومت را واداشته است که در این مورد اقدامی انجام دهند. اقدام دولت اسلامی در باز کردن پرونده ۴۰۰ نفر از فرزندان مسئولین کشور که در خارج مشغول به تحصیل هستند، در عین حال بخشی از جنگ بین دو جناح حکومت اسلامی است. آن را می توان گروکشی و تهدید طرف مقابل دانست. در اوایل فروردین حسن لاهوتی نوه ۲۲ ساله اکبر هاشمی رفسنجانی در فرودگاه و در هنگام بازگشت از لندن بازداشت شد. رسماً اعلام گردید که مکالمات تلفنی او تحت کنترل بوده و جرم او توهین به مقام رهبری در یک

گفتگوی تلفنی است. او بعد از دو روز با وثیقه ۷۳ میلیون تومانی و ابراز ندامت آزاد شد. ولی بخوبی می توان دریافت که این تهدید رفسنجانی و سایر مخالفین داخل حکومت بود. دست اندرکاران به اصطلاح سابق و مغضوب حکومت خوب می دانند که طرف مقابل هیچ ملاحظه ای ندارد و در توحش و جنایت در مورد نزدیک ترین وابستگان خود نیز کوتاهی نمی کند. پایه های متزلزل حکومت اسلامی بر اربعاب و جنایت قرار گرفته است. این تنها ابزاری است که در مقابل اعتراضات مردم و حتی برای رفع اختلافات درون حکومتی دارد. بطور خلاصه مساله اینست که کلا انزوای حکومت طوری است که حتی فرزندانشان نیز امکان دفاع از حکومت را براحتی ندارند و گرنه منزوی میشوند.\*

### ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
  - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
  - ۳- لغو مجازات اعدام
  - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
  - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
  - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
  - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
  - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
  - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
  - ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران
- ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

## اعتراضات دانشجویان در آستانه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

اعتراضات دانشجویان در دانشگاه های مختلف علیرغم فضای شدید امنیتی در جریان است و هر روز بر تعداد تجمعات اعتراضی دانشجویان افزوده می شود.

روز شنبه ۲۸ فروردین دانشجویان دانشگاه آمل در اعتراض به دستگیری دوستان خود و برای آزادی آنان در جلوی ساختمان شورای شهر آمل تجمع کردند. نیروهای امنیتی به تجمع

سیاست های تهدید آمیز دانشگاه و

دزدیهای مسئولین دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع که با شرکت صدها دانشجو شروع شده بود با استقبال سایر دانشجویان روبرو شد و در نهایت ۱۵۰۰ دانشجوی شرکت کننده در این تجمع با بستن مسیر ورودی به مجموعه دانشگاه خواهان استعفای مدیری دنیس دانشگاه شدند. نیروهای بسیج و حراست در این



تجمع در صدد تهدید دانشجویان و پایان دادن به تجمع بودند که موفق نشدند و هنگامی که یکی از بسیجیان می خواست برای دانشجویان سخنرانی کند با شعار بسیجی برو گم شو روبرو شد و مجبور شد تجمع دانشجویان را ترک کند. بنا به گزارشات رسیده در پی این تجمع گسترده دانشجویان مدیری رئیس دانشگاه طی تماس تلفنی

دانشجویان حمله کردند که با مقاومت دانشجویان مواجه شدند و این تجمع به صحنه درگیری دانشجویان با مزدوران رژیم تبدیل شد. دانشجویان يك صدا فریاد میزدند: زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر دیکتاتور.

۲۴ فروردین صدها دانشجوی دانشگاه بیرجند در اعتراض به وضعیت نابسامان این دانشگاه و

صدها تن از دانشجویان دانشکده های فنی شمسی پور، شریعتی و انقلاب اسلامی در اعتراض به تصمیمات آموزشی مسئولین این دانشکده ها در مقابل مجلس تجمع کردند. دانشجویان شعار می دادند " دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد " حتی اگر بمیریم، حق خود را می گیریم " پول نداریم چکار کنیم، دانشگاه رو

## چند خبر از اعتراضات کارگران

وضعیت حدود ۵۰۰ نفر از این کارگران حدود ساعت ۹ صبح تجمع اعتراضی خود را به پشت نرده های کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر کشاندند و با آتش زدن لاستیک و سر دادن شعار خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند. در ادامه این تجمع بخشدار اسلامشهر طی تماسی تلفنی با نماینده های کارگران به آنان وعده داد که روز اول اردیبهشت ماه با حضور در محل کارخانه به خواسته های آنان رسیدگی خواهد کرد. این تجمع اعتراضی حدود ساعت ۱ ظهر و پس از وعده بخشدار چهاردانگه مبنی بر رسیدگی به خواسته های کارگران پایان گرفت.

## تجمعات اعتراضی کارگر کیان تایر

بنا بر گزارش سایت اتحاد "اتحادیه آزاد کارگران ایران" کارگران کیان تایر در ادامه اعتراض به بلا تکلیفی خود روز ۳۱ فروردین ماه ۸۹ در پشت نرده های کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر دست به تجمع اعتراضی زدند. بنا بر این گزارش ساعت ۸ صبح حدود ۳۰۰ نفر از کارگران کیان تایر در مقابل ساختمان اداری در محل کارخانه تجمع کرده و خواهان پاسخگویی مسئولین کارخانه به خواسته های خود شدند. اما هیچگونه پاسخی دریافت نکردند. بدنبال این

## تجمع اعتراضی دانشجویان اراک مقابل وزارت علوم

بنا به گزارش آژانس ایران خبر روز ۱ اردیبهشت صدها نفر از دانشجویان واحد دانشگاه علم و صنعت اراک در اعتراض به مشکلات صنفی و فضای بسته در این دانشگاه مقابل درب اصلی وزارت علوم تجمع کردند. دانشجویان پلاکاردهایی در دست داشتند و منتظر حضور مسئولان وزارت علوم بودند. یکی از دانشجویان متحصن و از فعالان دانشجویی این دانشگاه در این باره گفت: موضوع وضعیت اسفبار خوابگاه دانشجویی، کم بودن کلاس ها در دانشگاه و متناسب نبودن با تعداد دانشجویان، ابتدایی بودن امکانات

رها کنیم ". این دومین تجمع دانشجویان این دانشکده ها در مقابل مجلس است که طی دو هفته گذشته برگزار شده است. تجمعات اعتراضی دانشجویان علیرغم فضای شدید امنیتی و احضار صدها دانشجو به کمیته های انضباطی و دستگیری آنان در آستانه روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت ادامه دارد. دانشجویان به دستگیری دوستان خود، به وضعیت رفاهی و آموزشی، به دزدیها و چپاول اموال دانشگاه توسط مسئولین دانشگاه ها اعتراض دارند. دانشجویان خواهان فضای باز آموزشی با بالاترین استانداردها، فارغ از تهدید و سرکوب، عاری از نهادهای سرکوب کمیته های انضباطی و حراست

جداسازی جنسیتی هستند. سازمان جوانان کمونیست ضمن حمایت از اعتراضات جاری در دانشگاه ها همه دانشجویان را فرا می خواند تا در آستانه روز جهانی کارگر، متحد و یکصدا برای آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی، برای لغو جداسازی جنسیتی، برای برچیده شدن بساط نهادهای سرکوبگر رژیم از دانشگاه ها، برای برخورداری از زندگی مرفه و شاد و انسانی متحد و یکپارچه به میدان بیایند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باید جمهوری سوسیالیستی سازمان جوانان کمونیست ۳۱ فروردین ۸۹، ۲۰ آپریل ۲۰۱۰

از مطالبات خود در سال ۸۷ نیمی از دستمزد اسفند ماه خود را نیز دریافت نکرده اند.

## تجمع کارگران شرکت میلاد در برابر دفتر مجتمع صنایع قائم رضا

بنا به گزارش سایت شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان صبح روز دوشنبه ۳۰ فروردین ۶۰ نفر از کارگران شرکت میلاد از توابع مجتمع صنایع قائم رضا در برابر دفتر این مجتمع واقع در سه راه توحید شهر اصفهان تجمع کردند. کارگران شرکت میلاد ماه هاست که حقوق نگرفته اند و شرکت در حالی درصدد اخراج آنان است که پولی برای تسویه حساب به آنان پرداخت

نمیشود. کارگران به این وضعیت معترض بوده و خواهان روش شدن وضعیت خود و دریافت حقوق عقب افتاده شان هستند.

## تجمع اعتراضی کارگران قند بردسیر - کرمان

روز یکشنبه ۲۹ فروردین ماه از ساعت ۸ صبح تا ۱۱ بیش از ۴۰ نفر از کارگران کارخانه قند بردسیر در اعتراض به تعطیل شدن کارخانه قند و برای پیگیری حقوق معوقه خود که بعضا تا دو سال حقوق دریافت نکرده اند مقابل کارخانه قند بردسیر تجمع کردند. ساعت ۱۱ کارگران به مقابل فرمانداری رفته و تجمع خود را در آنجا ادامه دادند. اعتراضات کارگران ادامه دارد.

**نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!**



## به حمایت از مبارزات زندانیان سیاسی برخیزید!

در اعتراض به وضعیت غیر انسانی زندانها، بد رفتاری غیر قابل توصیف و تحمیل فشارهای روحی و جسمی، آزار و اذیت سیستماتیک زندانیان سیاسی، گروهی از زندانیان سیاسی اوین با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند که از روز اول اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا می‌زنند.

روحیه تحسین برانگیز و مقاومت و ایستادگی دلیرانه زندانیان سیاسی در مقابل شکنجه گران موجب گردیده است که زندانیان با اعمال وضعیت طاقت فرسا بر زندانیان و اعمال انواع محبوسیت تلاش کنند تا این مقاومت شکسته شود. اما همه این تلاشهای مذبحخانه با مقاومت تحسین برانگیز زندانیان سیاسی یک بعد از دیگری به شکست کشیده میشود. اعمال فشار بر زندانیان سیاسی حد و مرزی ندارد. هر آنچه در توان این حکومت ضد بشری است، در زندانها اعمال میکند.

استفاده از سرویسهای بهداشتی برای زندانیان سیاسی به سه بار در روز محدود شده است. هر چند هفته یکبار، در نوبتهای بسیار کوتاه و تعداد کثیری از زندانیان سیاسی امکان استفاده از حمامهای غیر بهداشتی را دارند.

کیفیت و کمیت غذای زندانیان سیاسی چنان پایین است که صرف غذا به یک نوع شکنجه جسمی و روانی بدل شده است.

امکانات دارویی و درمانی برای زندانیان سیاسی تقریباً قطع شده است، نیاز فوری برخی از زندانیان سیاسی به دارو، آنها را در سرحد مرگ تدریجی توأم با درد و ناراحتی مضمّن کشانده است.

محدود کردن و یا قطع کامل ارتباط زندانیان با خانواده هایشان و با جهان خارج از زندان یک وسیله مستمر ایجاد فشار و شکنجه روانی علیه زندانیان سیاسی است.

انواع شکنجه زندانیان، شلاق،

کتک کاری و ایراد ضرب و جرح و استفاده از باتونهای برقی و سایر ادوات شکنجه، زدن دستبند و پایبند به زندانی و رها کردن در سلولهایی که به سگکونی معروف شده اند مداوما صورت میگیرد.

علیرغم این وضعیت غیر انسانی، یک لحظه مقاومت شجاعانه زندانیان پایان نمی گیرد. زندانیان سیاسی در اعتراض به این وضعیت و برای جلب توجه افکار عمومی جهانیان بارها و بارها با انتشار اخبار این وحشیگریها کوشیده اند حقایق رفتار فوق خشن ماموران جمهوری اسلامی در زندانها را افشا کنند. انتشار اسامی ماموران و عوامل امنیتی و اطلاعاتی در زندانها، فرماندهان گاردهای یورش به زندانیان، شکنجه گران و بازجویان وزرات اطلاعات در زندانها از این جمله است.

جمهوری اسلامی زبونانه با اعمال فشارهای طاقت فرسا تلاش میکند زندانیان سیاسی را وادار به اعتصاب غذا کند و مرگ تدریجی آنها را سبب شود.

بسیاری از زندانیان سیاسی شناخته شده که قهرمانانه در مقابل این فشارها ایستادگی میکنند، ناچاراً بارها دست به اعتصاب غذا زده اند، بهروز جاوید تهرانی، رضا جلالی، حسین کرمی و محمد رضائی از جمله زندانیان سیاسی شناخته شده ای هستند که در زندانهای اوین و رجایی شهر در اعتراض به رفتارهای خشن و غیر انسانی زندانبانان مجبور به اعتصاب غذا شده اند.

مردم؛ فقط با گسترش مبارزات خود و علنی کردن جنایات بی شمار جمهوری اسلامی میتوانیم فرزندانمان را از چنگال خونین جنایتکاران اسلامی رهایی بخشیم. زندانیان سیاسی، فرزندان شجاع و دلیر ما هستند که با ادامه مبارزه در زندان یکدم از تلاش برای احقاق حقوقشان باز نایستاده اند. این مقاومت دلیرانه باید با پشتیبانی بین المللی مواجه شود.

ما باید با اعتراض مداوم و

تجمع شبانه روزی در مقابل اسارتگاههای فرزندانمان، مانع از اجرای جنایات سازمان یافته شکنجه گران جمهوری اسلامی در زندانها شویم!

هیچیک از فرزندان ما نباید در زندان بمانند، همه زندانیان سیاسی بدون درنگ باید فوراً آزاد شوند!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در کنار تمامی زندانیان سیاسی و خانواده های آنان این پیکار انسانی را در سطحی بین المللی گسترش خواهد داد. ما از همه نهادها و مجامع حقوق بشری در سطح جهان می خواهیم که فوراً نسبت به رفتار فوق خشن با زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران واکنش نشان دهند، با محکوم کردن و ترد جمهوری اسلامی از همه مجامع بین المللی به دفاع از مبارزات مردم و زندانبانان سیاسی برخیزند!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۸ آوریل ۲۰۱۰

## به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان:

### مه ۲۰۱۰: همبستگی با کارگران و انقلاب مردم ایران

اول مه روز همبستگی جهانی کارگری در حالی میرسد که در ایران انقلابی در جریان است و کارگران نقش مهمی در این انقلاب دارند. انقلابی که ضربه ایست بر پیکر اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و پیروزی آن منطقه و جهان را امن تر خواهد کرد. از اینرو این انقلاب و مبارزات کارگران در ایران شایسته وسیعترین حمایت جهانی است و چه روزی مناسبتر از اول مه که این همبستگی و حمایت را قاطعانه تر از همیشه اعلام کنیم. می‌خواهیم مطالبات زیر را که از مطالبات فوری ای هستند که کارگران در ایران با آن روبرویند و می شود حول آنها همبستگی خود را به نحو بسیار بهتری بیان کرد، در این روز توجه ویژه ای به آنها مبذول شود.

۱- دفاع از حقوق پایه ای کارگران حق تشکل، اعتصاب، برپایی اجتماعات، آزادی بیان و عقیده و ایجاد تشکلهای واقعی و مستقل از دولت و قراردادهای دسته جمعی

۲- پایان دادن به تهدید و فشار بر روی

کارگران و آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی. هم اکنون منصور اسانلو و ابراهیم مددی از کارگران سندیکای شرکت واحد و علی نجاتی از سندیکای نیشکر هفت تپه، فرزند کمانگر معلم معترضی که حکم اعدام دارد، و علیرضا قنبری معلمی که در تظاهرات ۲۷ دسامبر دستگیر شده و به او حکم اعدام داده شده است.

۳- رژیم ایران باید از سازمان جهانی کار آی ال او اخراج شود. بخاطر فشار بر روی کارگران، نقض حقوق پایه ای کارگران و سرکوب مردم ایران از جمله تیراندازی بسوی آنها، زندانی کردن و تجاوز به دستگیر شدگان در طول تظاهرات های میلیونی اخیر، اعدام های هر روزه (ایران بالاترین رکورد اعدام را دارد)، سنگسار زنان و مردان تا حد مرگ بخاطر رابطه جنسی خارج از ازدواج، اعدام کودکان قربانی، اعدام همجنسگرایان؛ بخاطر برپایی سیستماتیک آپارتاید جنسی و قانونیت دادن به تبعیض علیه زنان، و

غیره. بعنوان اولین قدم از آی ال او بخواهیم که از شرکت جمهوری اسلامی در اجلاس آتی این سازمان که در ژوئن ۲۰۱۰ در ژنو برگزار میشود، جلوگیری کند.

۴- از منشور مطالبات حداقل کارگران که به مناسبت سالگرد انقلاب ۵۷ بیرون داده شده است، توسط ۴ تشکل شناخته شده و مهم کارگری داده شده است، حمایت کنید. این منشور خواستهای فوری و پایه ای کارگران است و ترجمه ای از آن ضمیمه است.

ما تمام سازمانهای کارگری در سراسر جهان را فرا میخوانیم که در این اول مه خواستهای کارگران ایران را در میتینگهایشان و در مراسم هایشان برجسته کنند و کمک کنند به یک روز قدرتمند همبستگی جهانی با کارگران و انقلاب ایران تبدیل شود.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری (WPI) ۱۲ آوریل ۲۰۱۰ هماهنگ کننده: شهلا دانشفر روابط عمومی: بهرام سروش

کارگران عسولویه هم پیمان با سایر کارگران ایران در حالی روز جهانی کارگر را گرامی میدارند که فشار اختناق ترس از اخراج و بیکار سازی هر لحظه بیشتر می شود. کارگران عسولویه سال جدید را با بی حقوقی و بیکار سازی آغاز می کنند. سالی که چشم انداز آن تورم، فقر بیش از پیش و تعطیلی کارخانه ها و کارگاه ها است. هم بندها عزیز بیایید مبارزه ای

متحدانه را برای گرفتن حقوق اولیه انسانی که همانا کار و دستمزد متناسب با یک زندگی انسانی است به پیش ببریم. تنها با اتحاد بین همه کارگران ایران و جهان است که غفرت سرمایه و کارفرما از سرما گم می شود. با شرکت در مراسم اول ماه مه اتحاد خود را نشان دهیم پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل کارگری - ۲۱ فروردین ۸۸ جمعی از کارگران عسولویه

**کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس**

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با

بابک بزدی (کانادا-آمریکا): تلفن: ۰۰۱-۴۱۶-۷۵۳۳۳۶  
nasim\_info@yahoo.ca

ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (فوب کانادا - تکوون): تلفن: ۰۰۱-۶۰۷۲۷۲۷۸۸۶  
zarasli@yahoo.ca

ایمیل: zariasli@yahoo.ca

در اروپا با

انتشارات نسیم: تلفن: ۰۰۴۶-۰۷۳۳۹۳۹۱۷۰  
nasim\_se@yahoo.se

ایمیل: nasim\_info@yahoo.se

جلل جلیلی (انگلستان): تلفن: ۰۰۴۴-۰۷۹۵۰۹۲۴۲۳  
jaliliuk@yahoo.com

ایمیل: jaliliuk@yahoo.com

مهین کونتا (آلمان): تلفن: ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۰۵۴۹  
mahinkusha@online.de

ایمیل: mahinkusha@online.de

**کارل مارکس**

**سرمایه**

(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

**WE STILL NEED MARX**

**TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

**جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!**

## بدون شما ممکن نیست!

### کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار کمک مالی برای حزب

زنان و مردان آزادیخواه!

به منظور تامین ادامه کاری کانال جدید که حدود سه ماه است در شبکه نایل سات به خانه های مردم ایران بازگشته و همچنین تقویت و گسترش پوشش کانال جدید و بازگشت به روزهای درخشان این کانال انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و به منظور تامین فعالیت های گسترده و متنوع حزب کمونیست کارگری، دست یاری به سوی شما دراز میکنیم. انقلاب کنونی برای پیروزی نهایی و قطعی بر جمهوری اسلامی به یک رهبری رادیکال و پیگیر و حاضر در همه عرصه ها نیاز دارد. شکل دادن به این رهبری موضوع تلاش هر روزه این حزب است. تاکنون نیز تکیه گاه اصلی مبارزه بی تخفیف حزب علیه اعدام و سنگسار و حجاب و جهل و خرافه و فقر و بی حقوقی، همواره شما کارگران و مردم شریف و

آزادیخواه بوده اید. اینبار هم در شرایط حساس کنونی و برای انجام وظایف خطیری که حزب بعهدہ دارد، روی حمایت مالی شما حساب میکنیم.

در شش ماه آتی حزب با کسر بودجه ای معادل حداقل ۲۰۰ هزار دلار روبرو خواهد بود. بمنظور تامین این مبلغ از ۱۰ آوریل ۲۰۱۰ (۲۱ فروردین ۸۸) کمپین جمع آوری کمک مالی برای حزب شروع میشود که به مدت شش هفته ادامه خواهد داشت. ۲۰۰ هزار دلار حداقل نیازهای حزب را تامین خواهد کرد. ما امیدواریم کمکهای جمع آوری شده در این کمپین از این سطح فراتر برود به نحوی که بتوانیم دامنه پوشش تلویزیون کانال جدید را گسترش بدهیم. ما در نظر داریم بمنظور پوشش بیشتر در ایران و همچنین سهولت دسترسی به کانال جدید در اروپا، علاوه بر نایل سات روی شبکه تله استار نیز برنامه پخش کنیم. تنها

مانع ما مساله مالی است و امیدواریم با موفقیت این کمپین بتوانیم این مانع را نیز بر طرف کنیم. از همه شما مردان و زنان مبارز، از همه شما که خواهان نابودی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه انسانی، آزاد و مرفه در ایران هستیم میخواهیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید. هر اندازه که خود میتوانید کمک کنید و برای حزب کمک مالی جمع آوری کنید و دیگران را تشویق به این کار کنید. کمک های شما هر اندازه که باشد، کوچک یا بزرگ، گوشه ای از فعالیت حزب خودتان را تامین کرده اید.

کمک ها را به تشکیلات های حزب در شهرهای مختلف برسانید یا به شماره حسابهای زیر واریز کنید و به ما اطلاع دهید. لیست کمک های مالی دریافتی هر هفته اعلام خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ آوریل ۲۰۱۰، ۲۰ فروردین ۱۳۸۸

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
<http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK  
برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.  
آلمان:

Germany Rosa Mai Konto. Nr.:583657502 Post Bank  
Bankleitzahl: 37010050

Dixie Rd, Mississauga 4900, Canada ICRC Scotiabank  
LAW 2R1 Account #: 84392 00269 13

هلند: Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا: G street, Blaine WA 98230 277 Bank of America Blaine Branch

ph:1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99  
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI  
branch: Wood Green Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779 BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶ مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

### کمپین ۲۰۰۰۰۰ دلاری برای تامین کانال جدید

۱۵۴۳۹۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود

لیست ۲، ۲۲ آوریل ۲۰۱۰

در هفته دوم کمپین جمع آوری کمک مالی برای تامین هزینه های کانال جدید، دوستانی که نامشان در زیر می آید ۳۰۳۰۰ دلار کمک کردند. دست تک این عزیزان را میفشاریم. هدف این کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار در عرض شش هفته است. با احتساب لیست يك و دو، برای جمع آوری مبلغ اعلام شده در این کمپین به ۱۵۴۳۹۰ دلار دیگر نیاز هست.

ما همه مردم آزاده، همه مدافعین انقلاب و رهائی از شر حکومت نکبت اسلامی را فرامیخوانیم تا در این کمپین شرکت کنند و کانال جدید، این صدای حقیقت و انسانیت، صدای اعتراض کارگر و مردم زحمتکش، را مورد پشتیبانی مالی قرار دهند.

حبیب بکناش ۱۰۰۰ دلار مصطفی صابر ۵۰۰۰ دلار

عباس محمدی ۱۰۰۰ دلار

زانیار ۵۰۰ دلار

امیر زاهدی ۲۰۰ دلار

مینا بهروزی ۱۲۰ دلار

سعید ۱۰۰ دلار

نازیلا ۱۰۰ دلار

امید ۱۰۰ دلار

نوشا ۲۰۰ دلار

وفا تبریزی ۵۰ دلار

برادران اهواز ۵۰ دلار

شاملو اهواز ۵۰ دلار

سام دالاس ۵۰ دلار

شادی بهار ۱۰۰ دلار

داوود الهی ۳۰ یورو

بهنام شهابی ۲۰۰۰۰ کرون

رزگار روشن ۱۰۰۰۰ کرون

فریده آرمان ۱۰۰۰۰ کرون

کاوش مهران ۱۰۰۰۰ کرون

آذر پویا ۵۰۰۰ کرون

هوشیار سروش ۵۰۰۰ کرون

سوسن صابری ۵۰۰۰ کرون

منصور فرزاد ۵۰۰۰ کرون

الیاس ۲۵۰ یورو

اکرم ۲۰۰ یورو

فرشاد حسینی ۲۰۰ یورو

نازنین برومند ۱۰۰ یورو

سلیمان سیگارچی ماهانه ۱۰۰ دلار

محسن ابراهیمی ماهانه ۱۰۰ دلار

فاتح بهرامی ماهانه ۵۰ دلار

شاملو ۱۱۲ - ۱۰۰ دلار

شهلا دانشفر ماهانه ۵۰ پوند

کاظم نیکخواه ماهانه ۵۰ پوند

بهمن ذاکرتزاد ماهانه ۱۵۰ یورو

پریسا پوینده ۱۰۰ یورو به علاوه ماهانه ۳۰ یورو

محمد کریمی ماهانه ۵۰ یورو

آناهیتا ناصر ۳۰۰۰ کرون به علاوه ماهانه ۲۰۰ کرون

سعید صالحی نیا ۱۰۰۰ دلار به علاوه ماهانه ۳۰۰ دلار

مسعود آذرنوش ماهانه ۲۰۰ دلار

کریم شاه محمدی ماهانه ۱۰۰۰ کرون

فاطمه میلانی ماهانه ۱۰۰۰ کرون

صابر نوری ماهانه ۱۰۰۰ کرون

نازنین صدیقی ماهانه ۵۰۰ کرون

عبدالله اسدی ماهانه ۵۰۰ کرون

نازیلا صادقی ماهانه ۵۰۰ کرون

نوید مینایی ماهانه ۵۰۰ کرون

جمع لیست شماره ۲ ۳۲۶۵۰ دلار

لیست شماره ۱ ۱۲۹۶۰ دلار

جمع لیست های يك و دو ۴۵۶۱۰ دلار



## حکم قصاص برای ... از صفحه ۱



یک نفر دیگر به قصاص محکوم شده اند. مدت نزدیک به یک سال از افشای جنایات رژیم و جانیانی چون قاضی مرتضوی و احمد رضا رادن که آن موقع مسئول بازداشتگاه کهریزک بود، می گذرد. در جریان اعتراضات میلیونی مردم در خرداد و تیرماه سال ۱۳۸۸ صدها نفر از دستگیرشدگان اعتراضات به دستور ناجا و شخص رادن و احمدی مقدم به بازداشتگاه مخوف کهریزک منتقل و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند. جانی مرتضوی مسئول رسیدگی به پرونده بازداشت شدگان کهریزک بود. اواخر خرداد ماه سال پیش خانواده های بازداشت شدگان اعتراضات که به دنبال پیدا کردن محل زندانی شدن عزیزانشان بودند، متوجه شدند که صدها نفر از بازداشتی های اعتراضات اخیر در شکنجه گاه کهریزک زندانی بوده و مورد تجاوزات جنسی قرار گرفته اند. در این بین تعدادی از دستگیرشدگان که در بازداشتگاه کهریزک بودند و بعدا آزاد شده بودند، در ملیا و رسانه ها حاضر شده و شروع به افشاکاری از تجاوزات مسئولان زندان کهریزک به دستگیر شدگان کردند. علیرغم تلاش های رژیم و شخص خامنه ای و احمدی نژاد مبنی بر جلوگیری از افشای جنایات توسط دستگیرشدگان، چندین تن از قربانیان جنایات با تحمل خطرات زیاد با افشاکاریهای خود بر علیه ماموران نیروی انتظامی و شخص رادن و مرتضوی و مسئول بازداشتگاه کهریزک، پرونده جنایات رژیم را علنی کردند. همزمان خانواده ها شروع به افشاکاری از جنایات رژیم و از جمله شکنجه های بسیار وحشیانه و تجاوز به زندانیان دختر و پسر در بازداشتگاه کهریزک به دستور مسئولان آن موقع رژیم کرده و موضوع جنایات رژیم در کهریزک در سطح جامعه و جهان انعکاس گسترده ای پیدا کرد. جهانیان از زبان بازداشت شدگان و قربانیان جنایات و تجاوزات کهریزک، از ابعاد گسترده و تکان دهنده این جنایات بسیار وحشیانه مطلع گشتند و تکان خوردند. موضوع اعتراضات خانواده ها و اعتراضات

طریقی که شده سرورته قضیه را به نحوی بهم آورند که بیش از این آبروی نظامشان نرود. اما کار از کار گذشته بود و فشار بیش از آن بود که با گفتن اینکه "ظلمی که به نظام در مورد مساله کهریزک شد نسبت به ظلمهایی که به دستگیر شدگان شد بسیار بیشتر بود" بتوانند جلوی موج را بگیرند. اواخر آذر ماه سال گذشته که قرار بود نتیجه تحقیقات کمیسیون بررسی جنایات کهریزک اعلام شود. جانیانی چون سروری و فرهاد تجری که هر دو از مقامات سابق وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران بودند مجبور شدند اعتراف نمایند که جنایاتی در کهریزک توسط نیروی انتظامی رخ داده است. باندهای حکومتی هر کدام به نوبه خود سعی کردند تا از درز گزارش این کمیسیون به بیرون جلوگیری نمایند. مقامات رژیم و مجلس اعلام کردند که گزارش کمیسیون در جلسه غیرعلنی مجلس قرائت خواهد شد. نتیجه گزارش این شد که کمیسیون سعید مرتضوی را مجرم ردیف اول شناخته و خواهان رسیدگی به پرونده وی شد. چرا که مرتضوی نقش اول را در انتقال دستگیرشدگان به بازداشتگاه کهریزک داشته است. باندهای حکومتی در معرفی مرتضوی به عنوان مسئول این جنایات در تلاش بودند تا افکار عمومی و خشم و نفرت مردم از این جنایات را فقط محدود به مرتضوی و دو مامور نیروی انتظامی کرده و اینها را به عنوان ضربه گیر جنایات کل رژیم در برابر جامعه قرار بدهند. اما اکنون ظاهرا شکنجه گران اصلی یعنی همین سعید مرتضوی و رادن و رئیس شکنجه گاه کهریزک را کنار گذاشته اند. همزمان با اعلام نتیجه گزارش کمیسیون مجلس خبرگزاریهای اعلام کردند که پزشک کهریزک خودکشی کرده است. رامین پور اندرجانی که پزشک وظیفه در کهریزک بود و تعداد زیادی از قربانیان شکنجه ها و تجاوزات جنسی را معاینه کرده بود، تأیید کرده بود که به زندانیان تجاوز شده و مورد شکنجه قرار گرفته اند. باندهای حکومتی ابتدا وی را تهدید می کنند و از خدمت اخراجش می کنند و رسماً به وی هشدار می دهند که اجازه ندارد در باره کهریزک

زندانیان و اعدام و شکنجه توسط رژیم محاکمه مسئولان جنایات رژیم یعنی محاکمه کل جمهوری اسلامی و جنایاتش. اینکه جمهوری اسلامی ناچار شده برای جنایات کهریزک پرونده تشکیل دهد، کسانی را متهم معرفی کند، و اکنون حکم قصاص برای سه نفر بدهد، همه اینها تنها و تنها قدرت انقلاب مردم و فشار خشم مردم بر جمهوری اسلامی را منعکس میکند. روشن است که برای مردم به جان آمده و خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند، این پرونده حتی با قصاص سه نفر از مامورین دست چندم بسته نخواهد شد. این پرونده فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و محاکمه سران این حکومت و شخص خامنه ای میتواند به نتیجه نهایی برسد. این را مردم و بازماندگان دستگیرشدگان و قربانیان جنایات کهریزک به خوبی می دانند. کهریزک مساوی است با جمهوری اسلامی، با خامنه ای احمدی نژاد و رادن، مرتضوی و لایرجانی و در یک کلام کل مقامات بلند پایه و سران حکومت و دولت جمهوری اسلامی که همه شان مسئول مستقیم این جنایات می باشند. همه اینها دیر یا زود باید دستگیر و به جرم ارتکات جنایت علیه بشریت در دادگاههای علنی و مردمی محاکمه گردند. پرونده جنایات کهریزک به پرونده پیش از سه دهه حکومت جانوران اسلامی گره خورده است. با به زیر کشیدن حکومت جمهوری اسلامی و دستگیری و محاکمه سران و مسئولان جنایات سه دهه اخیر، پرونده کهریزک و جمهوری اسلامی نیز بسته خواهد شد. \*

## کانال جدید را وسیعاً تبلیغ کنید

برنامه های کانال جدید از ماهواره نایل ست و ۲۴ ساعته پخش میشود. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعاً آنرا تبلیغ کنید. مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7  
 Degrees West Freq: 10873  
 Polarity: Vertical Symbol Rate: 27,500  
 Fec: 3/4

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## وحشی عظیم از ...

از صفحه ۱



شهلا دانشفر

زنا را در جامعه گسترش می دهند که احتمال زلزله را تشدید می کند". البته ایشان این سخنان را در هشدار به نزدیکی خطر زلزله در تهران با ۱۲ میلیون جمعیت میگوید. میتوان فهمید که درد حجت الاسلام کاظم صدیقی چیست. درست میگوید زنان بدحجاب عامل زلزله هستند، چون زمین را زیر پای این جانوران به لرزه در آورده اند. چون انقلابی در جریان است که جنبش علیه تبعیض علیه زنان یک رکن مهم آنست و حجاب برگیران تعرض هر روزه این جنبش به پایه های این حکومت. جنبشی که تهران با ۱۲ میلیون را بارها و بارها به لرزه در آورده است.

جمهوری اسلامی یک حکومت آپارتاید جنسی بنا کرده تا در پرتو تحقیر و فشار هر روزه زنان و برافراشتن پرچم حجاب بر سر در جامعه جمهوری اسلامی بماند. حکومت آپارتاید جنسی برپا کرده تا در پرتو صنعت مذهب پولهای کلان میلیاردی به جیب بزنند و جامعه را چنین به فقر و تباهی بکشاند. یکی از وحشی ترین حکومت های سرمایه داری جهان است که اساس قوانینش بر آپارتاید جنسی و ستمگشی زن نوشته شده است. در این حکومت زن منشا همه گناه و مورد تحقیر هر روزه است. زن ناموس مرد است. و هیچ اختیاری بر سرنوشتش ندارد. زن باید عفت داشته باشد و عفتش نیز حجاب است. و زن و مرد باید از هم جدا باشند، و اگر در خانه بماند و شوهردریش را بکنند، صواب آخرت را برده است. بنابراین زنی که بدحجاب است، کل این کاخ بنا شده را بر روی سر این حضرات خراب میکند. بنابراین جرمش سنگین است. باید دستگیر و زندانباشی کرد. باید سنگسار و اعدامش کرد. و برای همین "طرح عفاف و حجاب" لازمست و برای اجرای آن احمدی مقدم رییس ناجا آماده به خدمت است. بله حسابی

وحشت کرده اند. امروز دیگر معضل جمهوری اسلامی صرفا مبارزه با "بدحجابی" نیست. بلکه بقول حجب الاسلام رهبر رئیس فراکسیون روحانیون مجلس، "روند بدحجابی ها تبدیل به بی حجابی کامل شده است". این کابوسی است که همه شان را به هراس انداخته است. زنان دارند حجاب ها را برمیدارند. زنان نه تنها در مترو بلکه در مغازه ها و فروشگاهها حجاب ها را برمیدارند. در هواپیما و در فرودگاهها حجاب را برمیدارند. در تیم ورزشی و در مسابقات جهانی حجاب را برمیدارند. مردم دارند دیوار آپارتاید جنسی را روی سر این جنایتکاران خراب میکنند. اینست لب و اساس اظهارات وحشترده سران این حکومت و حجت الاسلامها و خطیبان نماز جمعه هایشان. چون میدانند که پیام سیاسی این کار چیست. چون حجاب کل موجودیتشان است و همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی بدون حجاب، جمهوری اسلامی نیست و حجاب شیشه عمر این رژیم است.

واقعیت اینست که امروز وقتی کسی میخواهد از پیشروی انقلاب مردم سخن بگوید، وقتی کسی میخواهد تبیینی از اوضاع سیاسی جامعه و اعتراضات مردم بدهد، یک فاکتور مهم حجاب برگیران است. این انقلابی است که هر روز با قدرتی بیشتری به جلو می آید و میروند تا بساط این جنایتکاران و آپارتاید جنسی شان را جارو کند. بله از موج اعتراضات مردم حسابی ترسیده اند و در برابر تعرض گسترده جامعه، دارند آخرین تلالهایشان را میکنند. دوباره دارند نیرویشان را بسیج میدهند و طرح امنیت و عفاف و حجاب و غیره را راه می اندازند تا بلکه اعتراضات زنان آزادیخواه و کل جامعه را قدمی عقب بزنند. محمد نجار وزیر کشور در همین هفته از اجرای طرح عفاف و حجاب و کنترل وضعیت پوشش زنان خبر میدهد. احمدی مقدم آمادگی ناچا را برای پیشبرد این طرح اعلام میکند. اما قبلا هم، آنموقع که هنوز کارشان به اینجا کشیده نشده بود، آنموقع که مردم در چنین ابعادی بیرون نیامده بودند و جامعه در چنین حدی از تب و تاب نبود، انواع و اقسام این طرح ها را امتحان کردند و رد شدند. سال گذشته بود که در مقابل موج اعتراض جامعه احمدی نژاد دستور

متوقف کردن اجرای طرح حجاب و عفاف را داد. اظهارات همین امروزشان نیز دارد استیصال و درماندگی شان را بخوبی نشان میدهد.

در همین رابطه است که می بینیم مدتی است که یکی از موضوعات بحث در خطبه های نماز جمعه که علی العموم به مهمترین مسایل سیاسی، اجتماعی اختصاص داده میشود، مساله "بدحجابی و بیحجابی" است. چون وخامت اوضاع را بخوبی دریافته اند. همین هفته یک موضوع بحث کاظم صدیقی خطیب نماز جمعه در مورد همین موضوع بود و هفته قبلترش علم الهدی خطیب نماز جمعه مشهد، با دهانی کف کرده از خشم، زنان را مورد حمله و توهین قرار میدهد و خطاب به آنان میگوید: "ای کسانی که صدا مرد را در مسیری شهوانی قرار می دهید شما در قیامت از یک جانور هم پست تر هستید. ما اگر می گویم حجاب داشته باشید به معنای مخالفت با هنر و زیبایی نیست بلکه می گوئیم تا هنر در خدمت ابتذال نباشد".

این سخنان یک گشتاپوی حکومت آپارتاید جنسی خطاب به زنان است که بوی تعفن و اوج وحشی گری و ارتجاعش را میتوان دید. سخنان گشتاپویی که چنین مستاصل در برابر جنبش قدرتمند علیه تبعیض علیه زن و علیه حجاب این پرچم آپارتاید جنسی، به هذیان گویی افتاده است.

دو هفته قبلتر از آنهم نمازگزاران قم، همان اوباشانی که قبلا به روی زنان بدحجاب اسید می پاشیدند و تیغ میکشیدند، عاجزانه علیه بدحجابیان راهپیمایی کردند و دست یاری بسوی خدا دراز کردند و در کنار همه اینها حجب الاسلام های مختلف نیز داد سخنشان بلند شده است.

خلاصه اینکه بقول خودشان نه چیزی از اسلامیتشان به جا مانده است و نه از حکومتشان. بطور واقعی نیز مردم دیگر برای به زیر کشیدن این حکومت خیز برداشته اند و همانطور که در هر حرکت اعتراضی شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدهند، عکس خامنه ای و احمدی نژاد و سران این حکومت را آتش میزنند، مرگ بر اصل ولایت قیبه میگیرند، همانطور هم حجاب ها را بر میدارند. و علیه تبعیض و علیه آپارتاید جنسی مبارزه

میکند. احمد جنتی از خطبای نماز جمعه، چندی پیش در خطابه اش برداشتن حجاب ها را از دشمنی اسرائیل و امریکا خطرناکتر توصیف کرد. حق هم دارند. حجاب برگیران یک عرصه مهم تعرض سیاسی بر جمهوری اسلامی است. عرصه مهمی که سی و یکسال است موضوع جنگ و کشاکش مردم با این حکومت است و خود نیز یک فاکتور مهم در تغییر توازن قوی

سیاسی جامعه و کشیده شدن به اوضاع انقلابی امروز بوده است. مجموعه اظهارات همین هفته شان را نیز باید در همین چهارچوب و اینکه چگونه در حلقه محاصره انقلاب مردم قرار گرفته اند دید. همانطور که اشاره کردم حجب الاسلام رهبر از اینکه "بدحجابی" به "بیحجابی کامل" تبدیل شده است، فریادش بلند است. و ماهواره ها را عامل اصلی و مروج "فساد" بر می شمارد. او با بیان اینکه مقاله ای را در مورد دنیای غرب مطالعه کرده میگوید: آنها اگر بی حجاب هستند، دیگر آرایش نمی کنند، و بعد ادامه میدهد: "اما کسی گذرش به میدان تره بار یا پاساژ، بیفتد، عده ای قابل توجه از زنان را بزک کرده خواهد دید. حالا این سؤال مطرح می شود که آیا این حجاب، برآزنده خانواده های جامعه نجیب است؟". و خلاصه در آخر سخنش میپرسد، پس حکومت چه میکند.

دقیقا کابوس واقعی برایشان همین است. حکومت چه میکند؟ همه شواهد نشان میدهد که اوضاع از دستشان خارج شده است. همه این اتفاقات ابعاد استیصال و وحشت این رژیم و قدرت جنبش انقلابی عظیمی را نشان میدهد که سکولار است، علیه تبعیض و نابرابری است و کوتاه نمی آید. همچنین همه این حقایق نشان میدهد که جنبش حجاب برگیران، یک عرصه مهم تعرض به جمهوری اسلامی است. سران رژیم با این اظهارات دارند به شکستشان اذعان میکنند. خودشان دیدند که چگونه در چهارشنبه سوری جوانان آتش برپا کرده و عکس سران رژیم را آتش زدند و حجاب سوزانند. دیدند که چگونه در هشت مارس و در چهارشنبه سوری در



محلات سنندج حجاب برگیران شد و حجاب ها را بر آتش انداختند و در کوچه و خیابان و هر روزه می بینند که چگونه زنان در مترو و در فروشگاه ها حجاب ها را برمیدارند و دیگر کاری از اوباش حزب الله و طرحهای امنیت اجتماعی شان ساخته نیست.

حجاب برگیران یک جنبش تعرضی مهم به این رژیم و حجاب یکی از ارکان قدرتش است. باید این جنبش را قوی تر به جلو برد. باید این جنبش را بصورت جمعی و گروهی در محلات و در مترو و در محیط های کار، در همه جا با قدرت متحدان به پیش بریم. در محلات با قدرت متحد کمیته های محلاتمان، در خیابان و مترو و اماکن عمومی بصورت آکسیون و تظاهرات های موضعی بساط حجاب برگیران را برپا کنیم و با این کار در برابر حجاب اجباری شان بایستیم و خلع سلاحشان کنیم. با برداشتن حجاب ها پرچم جمهوری اسلامی را در همه جا و در تمام محلات به زیر بکشیم. حجاب برگیران، در کنار اعتصابات سراسری، و متشکل شدن حول خواسته های سراسری و ایجاد شوراها و کمیته های محلات در تمام شهرها، همه و همه آن گامهای مهم در پیشروی انقلاب است. باید این گام ها را برداشت. اول مه روز جهانی کارگر بهترین فرصت برای اعتراضی سراسری است. اول مه را همچون هشت مارس به اول مه علیه حجاب و آپارتاید جنسی تبدیل کنیم. یک بند قطعنامه های ما در اول مه لغو حجاب اجباری و همه قوانین تبعیض علیه زنان است. به استقبال این روز بزرگ میرویم.\*

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اساس سوسیالیسم انسان است!